

علیرضا وکیل‌ا‌درایمی که پایداری بر سر آرمان‌ها، هزینه‌هایی سرخ به رنگ خون می‌طلبید، نوع نگاه ما به پدیده شهادت، تفاوت میان یک جامعه ناامید و یک ملت مقتدر را رقم می‌زند. دشمن با ابزار ترس از فقدان و مرگ، تلاش می‌کند سد دفاعی خانواده‌ها را بشکند و داغ عزیزان را به ابزاری برای عقب‌نشینی تبدیل کند. اما فرهنگ قرآنی، درپچه‌ای به روی ما می‌گشاید که در آن، مرگ در راه حق نه یک پایان، که آغازی جاویدان و تولدی در عالی‌ترین تراز هستی است. شهادت، نه از دست رفتن، بلکه به‌دست آوردن مقامی است که شکوه آن، از درک محاسبات مادی فراتر می‌رود.

قرآن کریم با صراحت تمام، خط بطلانی بر پندارهای غلط درباره پایان حیات مجاهدان می‌کشد: «وَلَا تَحْزَنُوا الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْثَلُ ثَلَاثٍ عَنَدَ رَبِّهِمْ يُزَوِّجُهُمْ هِرْكَزَ كَمَا مَن مَبِر كَسَانِي كَه دَر رَاه خَدَا كَشْتَه شَدَنَد، مَرْد كَا نَدَا! بَلَكِه أَنَا نَزْدَه‌اَنَد وَ نَزْد پُروردگارشان، روزی داده می‌شوند.»

این آیه، عالی‌ترین پیام تسلی بخش برای قلب‌های صبور مادران و همسرانی است که پاره‌های تن خود را برای امنیت و عزت میهن، راهی میدان کرده‌اند. عبارت «بل احیاء» به ما می‌گوید که خون شهید هدر نرفته، بلکه به جریانی سیال و زنده در رگ‌های جامعه، تبدیل شده است. شهیدان، ناظران جاویدانی هستند که در عالی‌ترین سطح حیات (عندربهم)، همچنان از آرمان‌های این ملت پشتیبانی می‌کنند. این نگاه، مفهوم فقدان را به حضور تبدیل می‌کند، حضوری که قدرت‌آفرین است و اجازه نمی‌دهد جای خالی قهرمانان، باعث سستی در اراده بازماندگان شود.

درحقیقت، آنان که در راه امنیت ما از جان گذشتند، اکنون در پناه امن الهی به زرّی دست یافته‌اند که هیچ حادثه‌ای، نتوان بازپس‌گیری آن را ندارد. تبریک به خانواده‌های شهدا، به معنای به رسمیت شناختن این تجارت پرسود با خداوند است. جامعه‌ای که بداند قهرمانانش هرگز نمی‌میرند، از تهدید به مرگ نمی‌هراسد و در برابر هیچ قدرتی زانو نمی‌زند. خون شهید، ضامن بیداری و حرارت بخش جبهه حق است.

در کوی عشق، زنده به تبیع تو گشته‌ایم

ما را به لطف خویش، حیاتی دگر بده!

بیاییم با این باور عمیق، حرمت دار خون‌هایی باشیم که امنیت امروزمان مدیون آن‌هاست. حیات طیبه شهدا، امروز در ایستادگی و پیشرفت ما تجلی یافته است. نصرت الهی، نصیب ملتی است که قدرداران زنده بودن قهرمانانش باشد و بداند که راه سعادت، از مسیر سرخ کسانی می‌گذرد که نزد پروردگارشان، میهمان ابدی سفره کرم و رحمت هستند. شهادت، بزگی از شناسنامه پیروزی ماست که هرگز کهنه نخواهد شد.

حمایت از همسر، «جهاد فی سبیل‌الله»

محمّدجواد علیپورا شاید هیچ اتفاقی برای یک زندگی مشترک، ویرانگرتر از آن نباشد که همسر، خود را در میدان جنگ میان «عشق به شریک زندگی» و «وفاداری به والدین»، تنها و بی‌پناه ببیند. این باتلاکیفی طاقت فرسا، آرامش را می‌دزدد و ریشه‌های مودت را می‌خشکاند. در چنین شرایطی، پرسش همیشگی انسان گرفتار در این دوراهی، این است: «پروردگارا، تکلیف من چیست؟ حق چه کسی بر گردن من واجب‌تر است؟»

سؤال: من نمی‌دانم بین شوهر و پدر و مادرم باید به کدام یک، اولویت بدهم. زندگی‌ام در خطر است.

خواهر گرامی! می‌دانم در چه دوراهی طاقت‌فرسایی گرفتار شده‌اید؛ مانند میان عشق به همسر و احترام به والدین، مانند راه رفتن روی لبه تیغ است. اجازه دهید تکلیف این اولویت‌بندی حیاتی را یک بار برای همیشهروشن کنیم. قرآن کریم، ازدواج را برپایه «سکون، مودت و رحمت»، بنا می‌نهد: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَحَقَّ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةٌ وَرَحْمَةٌ» (روم/۲۷). سکون و آرامش، تنها در فضایی رشد می‌کند که حریم امن زوجیت، مصون از دخالت بیرونی باشد. روان‌شناسی خانواده نیز این پدیده را «مرزهای زوجیتی» می‌نامد؛ اصلی که سلامت روان خانواده را تضمین می‌کند اما اگر این مرز توسط والدین شکسته شود و شما منفعل بمانید، دچار «تعارض وفاداری» می‌شوید؛ وضعیتی که هر دو رابطه را نابود می‌کند. حال، پاسخ صریح این است که وقتی پای حفظ کبان خانواده و کرامت همسر در میان باشد، اولویت بی چون و چرا یا «حفظ زندگی مشترک» است. خداوند نیکی به والدین را در کنار عبادت خویش قرار داده است: «وَقُضِيَ رِزْقُكَ أَلَّا تَعْلُوا إِلَّا يَاقَةَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء/۲۳). اما «نیکی» و «احسان»، معنایش اطاعت کورکورانه و قربانی کردن همسر نیست. مرز این دو در روایات، کاملا مشخص است. برای حمایت از همسر نیز اجر جهاد قرار داده‌اند: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُشْنُ الثَّيْلِ، جهاد زن، نیکوشوهرداری کردن است» و در روایت دیگر، «حفظ حریم خانواده و دفاع از حرمت همسر جهاد فی سبیل‌الله محسوب می‌شود». پس راهبرد نجات بخش شما، «مدیریتی عاطفی» است، نه انتخاب یکی و طرد دیگری. قاطعیت محترمانه را تمرین کنید. با همسرتان ائتلاف عاطفی بسازید، او باید ببیند که در میدان عمل، او را برگزیده‌اید. احساس گناه «فرزند ناخوب بودن» را کنار بگذارید. حفظ این تعادل، جهادی آرام اما سرنوشت‌ساز است. همسرتان پناهگاه امروز شماست، همان طوره که والدینتان، ریشه دپیروزتان بودند. ریشه را نمی‌سوزانیم، اما پناهگاه را هم ویران نمی‌کنیم. محکم بایستید، زندگی شما ارزشش را دارد.

حکم خریدوفروش اکانت بازی‌های آنلاین

وکیل‌ا‌امروزه بازی‌های آنلاین، دیگر، فقط ابزاری برای پر کردن اوقات فراغت نیستند، بلکه به بازاری بزرگ برای تبادل دارایی‌های مجازی تبدیل شده‌اند. بسیاری از گیمرها، ماه‌ها وقت صرف ارتقای سطح (Level) و جمع‌آوری تجهیزات در یک اکانت می‌کنند تا درنهایت آن را با مبالغ قابل توجهی به فروش برسانند. اما پرسش اساسی اینجاست که آیا این دارایی‌های مجازی از نظر شرعی، «مالیت» دارند؟ و آیا پولی که در قبال واگذاری یک حساب کاربری، پرداخت یا دریافت می‌شود، حلال است؟ باتوجه به تفاوت دیدگاه مراجع عظام تقلید در این موضوع نوظهور، در ادامه فتاوی دقیق آن‌ها را برای روشن شدن تکلیف شرعی فعالان این عرصه، مرور می‌کنیم.

شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: اگر بازی‌های حرام نباشد، خلاف قوانین مربوط نباشد و مصداق قمار (گرفتن چیزی از بازنده و دادن به برنده) محسوب نشود، فی نفسه اشکال ندارد.

آیت‌الله العظمی سیستانی: در مواردی که بازی دارای مراحل متعدد است و نیاز به استمرار دارد، صحت معامله مورد توقف است (احتیاط در ترک) در غیر این صورت اگر حاوی امر حرامی نباشد، اشکال ندارد.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی: این معامله از مصادیق «اکل مال به باطل» (تصرف ناحق در اموال) است و جایز نیست.

ملاک‌های تشخیص «بازی حرام» از نگاه شرع: باید توجه داشت که در تمام فتاوی فوق، پیش شرط اصلی، حرام نبودن خود بازی است. طبق موازین شرعی، انجام بازی (چه آنلاین و چه آفلاین) در موارد زیر جایز نیست و تشخیص آن برعهده مکلف است ۱. دارای تصاویر محرک و مهیج جنسی باشد. ۲. موجب سستی در اعتقادات دینی یا ترک واجبات (مثل نماز) شود. ۳. عرفا مصداق ترویج باطل یا هتک مقدسات، محسوب شود.

تأملی در ویژگی های اهل بیت (ع) که در زیارت جامعه کبیره به آن اشاره شده است

ریشه نیکی‌ها و تکیه‌گاه نیکوکاران

سمانه رضوانی | هر شیعه حداقل یک بار در زندگی، زیارت جامعه‌کبیره را خوانده یا شنیده است. اما چند نفر از ما به معنای دقیق اوصافی که در این زیارت برای امامان به‌کار رفته است، فکر کرده‌ایم؟ صفت‌هایی که آن‌ها را در مرتبه‌ای فراتر از یک انسان معمولی نشان می‌دهد. درمیان متون مذهبی شیعه، زیارت «جامعه‌کبیره»، جایگاهی خاص دارد. این زیارت که از امام‌هادی (ع) نقل شده، نه فقط یک متن زیارتی، بلکه بیانیه‌ای بلند از جایگاه اهل بیت (ع) است.

أَبْوَابُ الْإِيمَانِ

أَرْكَانُ الْبِلَادِ

سَائِسَةُ الْعِبَادِ

عُنَاصِرُ الْأَنْبَارِ

دَعَائِمُ الْأَخْيَارِ

درهایی که به خدا باز می‌شوند

«ابواب» جمع باب به معنای در و راه ورودی است. امامان به‌عنوان درهایی معرفی شده‌اند که از طریق آن‌ها می‌توان به حقیقت ایمان دست یافت. هیچ‌کس بدون عبور از این درها، به شناخت کامل خدا و ایمان حقیقی نمی‌رسد. این صفت، بر ضرورت توسل و تبعیت از امامان برای نیل به خداشناسی حقیقی، تأکید می‌کند. آن‌ها راه‌نماهایی هستند که راه رسیدن به خدا را نشان می‌دهند و خود، درهای ورود به آن حقیقت بی‌نهایت‌اند.

پایه‌های سرزمین‌ها

«ارکان» به معنای پایه‌ها و ستون‌های اساسی است. اینکه امامان (ع) «ارکان بلاد»، نامیده شده‌اند، یعنی شهرها و سرزمین‌ها به واسطه وجود ایشان برپا و پایدار است. این تعبیر، نقش محوری امامان (ع) را در نظام هستی نشان می‌دهد. امام باقر (ع) می‌فرمایند: «اگر لحظه‌ای امام از زمین برداشته شود، زمین پسان دریای مواج می‌شود، زمین پسان دریای مواج متلاطم به تلاطم می‌افتد و اهلیش رادر خود فرو می‌برد». پس اگر وجود مبارک ایشان نبود، امنیت و آرامش از زمین رخت برمی‌پست و جوامع بشری دچار فروپاشی می‌شدند. این وصف، یکی از عمیق‌ترین نگاه‌ها به جایگاه امامت در نظام آفرینش است.

مدیرانی از جنس عدالت

«سائسه» جمع «سائس» است و سائس یعنی مدیر و عهده‌دار سرپرستی امت. «سائسه‌العباد» یعنی مدیران و سرپرستان بندگان خدا در تمام شئون زندگی، به‌طوری‌که حقوق همه طبقات و اصناف جامعه، تعدیل شود و حق احدی ضایع نشود و سعادت دنیوی و اخروی مردم تأمین شود و این جز مردم معصوم (ع) از عهده کسی بر نمی‌آید. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند: «خداوند به‌وسیله ما [زندگی سعادت‌مند را] افتتاح و هم به‌وسیله ما ختم می‌کند و به‌وسیله ما دشواری‌های زمانه را برطرف می‌سازد». این وصف، امامان را به عنوان رهبران و مدیران امور جامعه انسانی معرفی می‌کند. برخلاف تصور رایج که امامت را فقط امری معنوی و فردی می‌داند، این عنوان بر مسئولیت سیاسی و اجتماعی امامان تأکید دارد. آن‌ها کسانی هستند که می‌دانند چگونه جامعه را اداره کنند، عدالت را برپا دارند و مردم را به سوی سعادت، هدایت کنند.

ستون‌های خوبی و خوبان در دنیا

واژه «عناصر»، به معنای ریشه‌ها و ارکان اصلی است. ابرار کسانی هستند که صفات خوب و فضیلت‌ها در وجودشان رسوخ پیدا کرده و به حد ملکه شدن رسیده و جزئی از باطن آن‌ها را تشکیل داده است؛ چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: «..... کل یعمل علی شاکلته... هرکسی دوام نمی‌آوردند و از مسیر حق خارج می‌شدند، پس کسانی که کار نیک انجام می‌دهند، در همان خیر بودندشان، ستون و تکیه‌گاهشان امام (ع) است. این صفت، نقش پشتیبانی و استحکام بخشی امامان (ع) را در جامعه دینی نشان می‌دهد؛ همچنان‌که ستون‌ها سقف را نگه می‌دارند. امامان (ع) نیز ایمان و عمل صالح مؤمنان را حفظ می‌کنند.

ستون‌های نیکوکاران

«دعائم» جمع «دعامة» است و دعامة یعنی ستون و تکیه‌گاه که چیزی را از سقوط و افتادن نگه می‌دارد. «اخبار» جمع «خبر» است و خبر هم به معنای نیکوکار است. امامان (ع) ستون‌هایی هستند که انسان‌های خوب و پارسا بر آن‌ها استوارند. اگر وجود مبارک ایشان نبود، نیکوکاران نیز دوام نمی‌آوردند و از مسیر حق خارج می‌شدند، پس کسانی که کار نیک انجام می‌دهند، در همان خیر بودندشان، ستون و تکیه‌گاهشان امام (ع) است. این صفت، نقش پشتیبانی و استحکام بخشی امامان (ع) را در جامعه دینی نشان می‌دهد؛ همچنان‌که ستون‌ها سقف را نگه می‌دارند. امامان (ع) نیز ایمان و عمل صالح مؤمنان را حفظ می‌کنند.

امانت‌داران فهم

قضا و ت یا خاموش کردن ذ‌هن پرسشگر. در فرهنگ ما، رعایت ادب در کنار آزادی پرسش، بنیان تربیت سالم است. معلم نباید برای حفظ شأن ظاهری خود، ژست قانون‌گذار یا فرمان‌بر در کلاس را به خود بگیرد، بلکه باید هم‌سفر در مسیر معرفت باشد، نه ناظر دوردست. زمانی که معلم چنین رویکردی دارد، چند تحول اساسی رخ می‌دهد: نخست، دانش‌آموز به‌جای حفظ صرف، در فرایند فهم‌ورزی شرکت می‌کند. دوم، اعتماد به نفس در فهم و تفکر در او افزایش می‌یابد. و سوم، فضای کلاس به محیطی اخلاقی و علمی تبدیل می‌شود که در آن، افزوده‌شدن علم نافع و ادب، اصل است، نه سرزنش و تحقیر. اصل کلیدی در این مسیر، درک جایگاه علم



سما‌نه رضوانی
طبله و کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

انسان مسلمان است. اما این علم، اگر به «فقه» تبدیل نشود، تنها مجموعه‌ای از واژه‌ها و محفوظات خواهد بود. در اینجا نقش معلم، نمایان تر می‌شود، معلم باید ودیعه‌دار فهم و اندیشه باشد، نه صرفاً ناقل اطلاعات. اینکه آموزگار مطالبی را روایت کند و از شاگرد، انتظار حفظ طوطی‌وار داشته باشد، خطایی آموزشی است. علم درحقیقت، ودیعه درک و بیداری است؛ بار مسئولیتی برای پرورش فهم و بینش راستین در مسیر شناخت. اگر این ودیعه به‌درستی ادا نشود، آموزش به چرخه‌ای سطحی و خسته‌کننده تبدیل می‌شود. معلم آگاه می‌داند که پرسش و شک، بخشی طبیعی و لازم از فرایند فقه و فهم است. هیچ پرسشی بی‌ارزش نیست، بلکه باید آموخت که چگونه به پرسش‌ها پاسخ دهیم، بدون

در روزگاران گذشته، شاید شعار «معلم، راه‌ما و ناصر تعلیم» جمله‌ای زیبا و پرمعنا به نظر می‌رسید، اما در دنیای امروز، این تعبیر نیازمند بازنگری و تأملی ژرف است. معلم امروز، تنها ناقل مطالب درسی نیست، بلکه باید در جایگاه «امین فقه و علم نافع، مسئولیتی سنگین‌تر و الهی‌تر برعهده گیرد. این مسئولیت، همان تربیت عقل و اخلاق شاگردان است؛ یعنی تربیت فهم، شخصیت و صداقت در مسیر معرفت. در نگرش دینی، علم و معرفت، ارزشی بس والا دارند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» و این تعبیر، به معنای درخواست افزایش سعه وجودی و ظرفیت انسان برای ادراک و دانش‌اندوزی است. درواقع، پیام آیه آن است که «پروردگارا! توانایی درک و دریافت حقیقت را در من بیشت‌ر کن!». همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مَسْلَمٍ؛ طلب علم، وظیفه هر